

دوفصلنامه عقل و دین، مؤسسه دین پژوهی علوی،
سال چهاردهم، شماره بیست و نهم (پائیز و زمستان ۱۴۰۲)

The Place of Human Experiences in Realizing the Goals of the IRI: A Reflection on the Second Article of the Constitution

Golamali Ghasemi¹

Abstract

The second article of the Constitution of the Islamic Republic of Iran -after stating the faith principles of the system- mentions sciences, techniques, and human experiences as the mechanisms for achieving the goals of the Islamic system. The position of sciences and techniques, is largely clear, and the importance of these two factors has been emphasized in numerous legal and scientific documents. The situation is different and somehow neglected regarding the utilization of human experiences in policy-making and scientific institutions in the field of management and governance. This article is a new trial and proposition in jurisprudential studies conducted in descriptive-analytical method for the scholars of the fields of law, management and Islamic knowledge in utilizing human experiences in effectiveness of the governing system. The jurisprudential basis for paying attention to and relying on human experiences, is the conduct of the wise. Thus, regardless of religion, sect, time, and place, rational people usually pay attention to their own and others' experiences, and the enlightenment of the writers led to this phrase being included in the constitution. It seems that using human experiences in the fields of legislation and justice, management and development, economic and financial affairs, educational and social sciences is necessary, of course provided that it is not in clear conflict with Islamic principles.

Keywords: Human experience, second principle of the constitution, conduct of the wise, experience in Nahj al-balagha.

¹ - Associate professor, International law, Faculty of Law, University of Qom, Qom,
ghasemi@qom.ac.ir

جایگاه تجارب بشری در تحقق اهداف جمهوری اسلامی ایران: تأملی در اصل دوم قانون اساسی

غلامعلی قاسمی^۱

چکیده

اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پس از بیان پایه‌های ایمانی نظام، از علوم، فنون و تجارب بشری به‌عنوان یکی از طرق دستیابی به اهداف نظام اسلامی نام می‌برد. جایگاه علوم و فنون تاحدزیادی روشن است و در اسناد قانونی و آثار علمی اهمیت این دو تأکید شده‌است. با این حال وضعیت تجارب بشری در نهادهای سیاست‌گذاری و علمی در حوزه مدیریت و حکمرانی ناظر به بهره‌گیری از این تجارب متفاوت و تاحدودی مغفول مانده‌است. این نوشتار تلاشی نو و اقتراحی در فضای مطالعات حقوقی است که به‌شیوه توصیفی و تحلیلی انجام شده تا اندیشمندان حوزه حقوق، مدیریت و علوم اسلامی در نقش و کارایی تجارب بشری در کارآمدی نظام حکمرانی کشور تأمل نمایند. مبنای فقهی اعتنا و اتکال به تجارب بشری، همانگونه که برخی فقها در مجلس بررسی قانون اساسی اظهار داشته‌اند، سیره عقلا است؛ بدین ترتیب که عقلا صرف‌نظر از دین، مذهب، زمان و مکان به‌طور معمول به تجارب خود و دیگران توجه و اعتنا دارند و روشن‌بینی این فقها موجب شد تا این عبارت در قانون اساسی درج شود. به نظر می‌رسد استفاده از تجارب بشری در حوزه تقنین و قضائی، مدیریت و بهره‌وری، امور اقتصادی و مالی، علوم تربیتی و اجتماعی ضروری است؛ البته مشروط بر اینکه در تعارض آشکار با مبانی اسلامی نباشد.

کلیدواژه‌گان: تجارب بشری، اصل دوم قانون اساسی، سیره عقلا، تجربه در نهج‌البلاغه.

ghasemi@qom.ac.ir

^۱ - دانشیار، حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم.

قانون اساسی به شکل امروزی خود یک تجربه بشری است که جوامع مختلف در مواجهه با خودکامگی‌ها و حوادث گوناگون و در پی انقلاب‌ها و تحولات بزرگ سیاسی اجتماعی به این بلوغ رسیده و اینچنین نهادی را محور امر خطیر حکمرانی قرار داده‌اند. بدین منظور اهداف، اصول و ساختار نظام سیاسی در این سند معین می‌شود. برای نمونه به برخی مصادیق بیان اصول و اهداف قوانین اساسی کشورها و نظام سیاسی آنها اشاره می‌شود. ماده ۲ قانون اساسی ترکیه بیان داشته "جمهوری ترکیه در قالب آرامش جامعه، همبستگی ملی و مفهوم عدالت، احترام به حقوق انسانی، وابسته به ایدئولوژی ملی‌گرایی آتاترک، متکی به اصول اساسی ذکر شده در مقدمه، دولتی دموکراتیک، لائیک و اجتماعی است (محمودی، ۲۰۱۲: ماده ۲). طبق مقدمه قانون اساسی اندونزی اصول و ساختار حکومت شامل شکل حکومت جمهوری با حاکمیت ملت، بر پایه اعتقاد به خدای متعال، انسانیت توأم با عدل و تمدن، وحدت و یکپارچگی اندونزی، دموکراسی مبتنی بر وحدت‌نظر نمایندگان و ایجاد شرایطی که در آن عدالت اجتماعی برای همه مردم فراهم گردد، استوار خواهد بود. اهداف مندرج در مقدمه قانون اساسی اندونزی شامل پیشبرد رفاه عمومی، رشد حیات معنوی جامعه، کمک به استقرار نظم در جهان مبتنی بر استقلال، صلح و عدالت اجتماعی طرح شده است (حکیم پور، ۱۴۰۱: مقدمه قانون اساسی). در قانون اساسی پاکستان نیز اصل دوم شامل اصول و مقررات کلی که در قالب پیوست «قطعنامه اهداف» بخش مهمی از این قانون اساسی را تشکیل می‌دهد. به موجب این اصل، اصول دموکراسی، آزادی، برابری، بردباری و عدالت اجتماعی، به صورتی که در اسلام بیان گردیده باید رعایت گردد. (دولت پاکستان، ۱۹۷۳: قطعنامه اهداف) «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد» (حکیم پور، ۱۴۰۱: مقدمه قانون اساسی). اصل اول قانون اساسی، نظام سیاسی ایران را جمهوری اسلامی بیان می‌دارد؛ نوعی از حکومت که در شکل و ساختار مشابه نظام‌های جمهوری رایج در جهان است، ولی محتوای آن و اصول حاکم بر شیوه‌های حکمرانی، ضوابط اسلامی است. اصل دوم قانون اساسی اصلی محوری در این قانون است که شامل سه قسمت «اصول و پایه‌های ایمانی»، «اهداف» و

«سازوکارها و طرق» تحقق اهداف و به‌کارگیری اصول ایمانی را ترسیم نموده است. موضوع این مقاله به سازوکارها و طرق دستیابی به اهداف و اصول مندرج در این اصل است. این سازوکارها ترکیبی از سیاست‌ها، رویکردها و ابزارها شامل «اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط»، «علوم، فنون و تجارب بشری» و «نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری» است. مسئله تحقیق در این پژوهش، جایگاه و ارزش علوم، فنون و تجارب بشری در مسیر تحقق اهداف و اصول قانون اساسی است؛ بنابراین ضمن شرح و تبیین ماهیت و کارکرد این ابزار، به دنبال روشن شدن اعتبار و جایگاه آن در منابع فقه اسلامی هستیم و نیز به ارتباط علوم، فنون و تجارب بشری با فلسفه و هدف اصلی شکل‌گیری نظام اسلامی و در نتیجه آثاری که از جنبه کاربردی می‌تواند داشته باشد می‌پردازیم. نخست در خصوص اهداف و اصول بنیادی مطرح‌شده در اصل دوم به اختصار اشاره خواهد شد.

۲- اصول و اهداف مندرج در اصل دوم قانون اساسی

به‌موجب این اصل جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به: ۱. خدای یکتا "لا اله الا الله" و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین ۳. معاد و نقش سازنده آن در مسیر تکاملی انسان به سوی خدا ۴. عدل خدا در خلقت و تشریح ۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام ۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا؛

در قسمت آغازین اصل دوم، اصول اعتقادی را پایه‌های ایمانی نظام اسلامی معرفی می‌کند که دارای دو ویژگی هستند: نخست اینکه از هر اصل اعتقادی، نکته‌ای ناظر به حیات اجتماعی و امر حکمرانی استنتاج می‌نماید؛ درباره ایمان به توحید، اختصاص حاکمیت و تشریح را به خدای متعال تصریح کرده است و درباره وحی الهی به نقش و ارتباط بین آن و قانونگذاری پرداخته است؛ یعنی در این نظام، وضع قوانین نباید با نادیده‌انگاری وحی الهی صورت گیرد. این رویکرد در همه اصول اعتقادی مشهود است. ویژگی دوم اینکه اصل ایمان به کرامت انسانی را در کنار اصول اعتقادی آورده است. این نوآوری به دانش و پختگی رهبران انقلاب اسلامی به‌ویژه در مجلس بررسی نهائی قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ برمی‌گردد که جمهوری اسلامی را از حکومت‌های به‌نام دین -چه در اروپای قرون وسطی و چه در گذشته سرزمین‌های اسلامی که بی‌اعتنا به کرامت انسان بوده‌اند- متمایز دانسته‌اند. در نتیجه نظامی پیشرو و مترقی و آگاه به

مقتضیات زمان معرفی شده است که کرامت و ارزش‌های والای انسانی را در پرتو دین و اصول ایمانی حفظ می‌کند و هرگونه قصور یا تقصیر در حفظ کرامت انسانی شهروندان ازسوی سازمان‌های عمومی و دولتی نوعی انحراف از این اصل بنیادی مندرج در قانون اساسی است. کرامت انسانی در معارف اسلامی شامل کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی می‌شود، اما «نکته مهم و قابل توجه در بررسی تفاوت درجات کمال و کرامت انسان‌ها آن است که علاوه بر توجه به کرامت اکتسابی در سیر صعودی انسان، باید به کرامت ذاتی و سیر نزولی او نیز توجه شود؛ بدین معنا که در بحث کرامت ذاتی به کرامت‌هایی که به نوع انسان عطا شده است توجه می‌شود که برخاسته از استعدادهایی هستند که موجب تمایز نوع انسان از سایر موجودات می‌گردد.» (ربیع‌زاده راوندی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۴۹). در فراز بعدی اصل دوم اهداف نظام را ذکر کرده است شامل تحقق «قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی»؛ البته این عناوین، اهداف غائی جمهوری اسلامی نیست، بلکه اهداف میانی در امر حکمرانی است که زمینه را برای تحقق هدف غائی یعنی تشکیل جامعه اسلامی مبتنی بر توحید و عبودیت خداوند و پرورش انسان‌های صالح و تسلیم در برابر خدا و وحی الهی فراهم می‌نماید... بررسی اصل دوم در دو جلسه پیاپی با اکثریت ۶۰ رأی از مجموع ۶۸ نفر اعضای حاضر در جلسه تصویب شد. نایب‌رئیس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی، که جلسه را اداره می‌کرد بعد از تصویب این اصل در اهمیت آن گفت: «برای بررسی یک اصل بنیادی و مهم در قانون اساسی، ما این مقدار نیرو و وقت صرف کردیم؛ این مقدار در جمله‌ها دقت کردیم؛ مطالبی که بنیاد و پایه زندگی خواهد شد و مبنای احساس و رفتار و اعتقاد ماست و این به خاطر اهمیتی است که شما نمایندگان ملت عزیز ایران برای قانون اساسی قائل هستید...» (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: جلسه یازدهم). آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در این باره اظهار داشتند «اصل دوم ترکیبی از پایه‌ها (مبانی)، روش‌ها و هدف‌ها است. آن قسمتی که مربوط به پایه‌ها است همان اصول اعتقادات اسلامی و آزادی بشر و کرامت انسان است و آن قسمتی که مربوط به روش‌ها است، استفاده از اجتهاد و استفاده از علوم انسانی (بشری) است و آن قسمتی که مربوط به هدف است (مواردی) از قبیل قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی است.» (همان، ۱۳۶۴: جلسه دهم). فراز نخست (پایه‌های ایمانی) و فراز دوم (اهداف

جمهوری اسلامی) از حیث محتوا و شکل نگارش اصل، روشن است و محل بحث ما نیست؛ چه اینکه این اصل مشابه قوانین اساسی دنیا که پیش از این اشاره شد، اصول بنیادی و کلی نظام سیاسی کشور را ترسیم کرده است. سخن در طرق و ابزار دستیابی به این اهداف و اصول ایمانی است که بدین شرح در فراز پایانی مقرر شده است که از راه: الف) اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین (سلام الله علیهم اجمعین)؛ ب) استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها؛ ج) نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و... همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

درواقع، این طرق سه‌گانه، نوعی سیاست و روش و سازوکار دستیابی به اهداف است که شرح و بسط هر سه بند از ظرفیت و گنجایش این تحقیق خارج است. از سوی دیگر تأمل و دغدغه نگارنده بر بند «ب» یعنی علوم، فنون و تجارب بشری است و نقشی که می‌توانند در تحقق اهداف و اصول جمهوری اسلامی داشته باشند. در این راستا ضرورت دارد نخست مفهوم و محدوده دلالت عبارت «علوم، فنون و تجارب بشری»، بررسی و تبیین شود. سپس نسبت این اصطلاحات و مفاهیم با مبانی اسلامی ترسیم گردد؛ بدین ترتیب که مشخص شود «تجارب بشری» بر چه اساس در تفکر اسلامی اعتبار دارد. از جنس دلیل عقلی است یا سیره عقلاء یا عناوین دیگر است. در گام سوم، ضمن موضوع‌شناسی و ذکر نمونه‌ها، حوزه تأثیر و نقش آفرینی آن مشخص شود.

۳- مفهوم علوم، فنون و تجارب بشری

علوم به دانش‌های شناخته شده بشری مانند علوم پایه، مهندسی و علوم انسانی اطلاق می‌شود. در حالی که «فنون» مهارت‌ها و فن‌آوری‌هایی را که در جهت رفاه و توسعه زندگی بشری است در برمی‌گیرد. علم، دانستن، معرفت دقیق و بادلیل بر کیفیات معینه است (ناظم الاطباء) و نیز دانش، آگاهی، معرفت و شناسایی که جمع آن علوم است^۱ (دهخدا، ماده علم). فن به معنای گونه و نوعی از چیزی و توسعاً به معنای صناعت و علم و در فرهنگ فارسی معین به معنای راه روشن، طریق، اسلوب و شیوه آمده و جمع آن فنون است. علاوه بر این «فنون» شامل مهارت‌ها و فن‌آوری‌هایی نیز هست که در جهت رفاه و توسعه زندگی بشری است. تجارب جمع تجربه که اغلب به ضم راء تلفظ می‌شود، به معنای آزمایش و امتحان و نیز آگاهی یافتن و آزمودن است

عقل و دین، سال پانزدهم، شماره بیست و نهم (پائیز و زمستان ۱۴۰۲) ►

(دهخدا، ماده تجربه). فرهنگ لغت کمبریج^۲ نیز تجربه را فرایند دستیابی به دانش یا مهارت ناشی از کار، مشاهده یا احساس چیزی تعریف کرده است. تجربه در اصطلاح به معنای ملاحظه و مشاهده مکرر توالی دو امر است، به نحوی که برای ذهن یقین حاصل شود که بین آن دو امر، رابطه علیت یا تلازم وجود دارد و صدفه یا اتفاقی بودن آن از ذهن زایل گردد (برخواه، مدخل تجربه). تجارب بشری هر نوع اندوخته ناشی از عملکرد بشر در زمینه‌های حکومتی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و غیره است. آنچه در نگاه نخست رخ می‌نماید این است که در پذیرش و کارکرد علوم و فنون به مثابه سازوکاری که در تحقق اهداف و اصول جمهوری اسلامی مؤثر و سازنده است تردیدی نباشد. حجم گسترده افزایش و توسعه مراکز علمی و دانشگاهی در حوزه‌های مختلف علوم پایه، مهندسی، علوم انسانی و هنر در جمهوری اسلامی ایران، خود نشانه‌ای بر این مدعاست. از سوی دیگر تمرکز و تأکید بر فن‌آوری در کنار علوم مختلف و ایجاد مؤسسات علمی و فن‌آوری در دانشگاه‌ها و سعی در توسعه ارتباط وثیق بین صنعت و فن‌آوری با مراکز علمی، دلالت بر این دارد که نهاد علم و فناوری، شاهد رشد و پیشرفت بوده است، هر چند با عنایت به سرعت جریان توسعه علم و فناوری در جهان راه درازی در پیش است و از تجارب پیشرفته جهانی نباید غافل شد. توجه اسناد بالادستی کشور به این مفاهیم و جایگاه رفیع آنها در این اسناد بیانگر این رویکرد است که به اختصار ارائه می‌گردد.

عبارت علوم، فنون و تجارب بشری در اسناد بالادستی که جنبه سیاست‌گذاری و اصول راهنما برای سازمان‌ها و ارکان مختلف نظام سیاسی کشور هستند اشاره و تصریح شده است؛ امری که می‌توان گفت دلالت بر اهمیت این عبارت و مفهوم به‌ویژه مسئله تجارب بشری دارد به گونه‌ای که نشان می‌دهد درج عبارت تجارب بشری در قانون اساسی صرفاً محصول شرایط سال‌های نخستین انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جدید نبوده است، بلکه یک مفهوم ریشه‌دار و بنیادی در تفکر راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. در متن سند الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت چنین آمده است: «این الگو با مشارکت گسترده متفکران و صاحب‌نظران ایرانی و براساس جهان‌بینی و اصول اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران بر طبق روش‌های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده‌پژوهانه تحولات جهانی طراحی شده و شامل مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر

است». (الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۷: مقدمه سند). در قسمت دیگری از سند الگو درباره کارکرد عقل و دانش بشری در دستیابی به پیشرفت به صراحت بیان داشته است: «خردورزی و تمسک به دانش بشری و تجارب عقلایی مورد تأکید اسلام است و وحی مایه شکوفایی عقل محسوب می شود. از این رو تمدن سازی و پیشرفت اسلامی افزون بر تکیه بر اصول، ارزش ها و تعالیم اسلامی، مبتنی بر عقل و دانش بشری نیز هست». (همان، مبانی سند)

نقشه جامع علمی کشور نیز در محور مبانی و ارزش های بنیادین اظهار داشته است «توجه به اصل عقلانیت، تکریم علم و عالم، ارزشمندی ذاتی علم و ضرورت احترام حقوقی و اخلاقی به آفرینش های فکری-علمی؛ و دستاوردهای علمی بشری و بهره گیری از آنها در چارچوب نظام ارزشی اسلام» از مبانی بنیادین نقشه جامع علمی کشور است (شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹: بند ۶). همچنین در بند ۹ بر توجه به علوم و تجارب بشری با این عبارت «تعامل فعال و الهام بخش با محیط جهانی و فرایندهای توسعه علم و فناوری در جهان» تأکید کرده است. در این اسناد ضمن تأکید بر نقطه تمایز فرهنگ اسلامی با مبانی تمدن غرب، بر بهره گیری از علوم و فنون و تجارب بشری تصریح شده است. مقام معظم رهبری نیز اخیراً در دیدار با کارگزاران نظام در این خصوص چنین فرمودند: «ما نمی توانیم در مسائل گوناگون سیاسی مان، اقتصادی مان و دیگر چیزها پیرو مبانی تمدن مادی غرب باشیم. البته تمدن غربی مزایایی دارد؛ در این شکی نیست. از هر مزیتی در هر جای دنیا، در غرب و شرق و دور و نزدیک، هر جا مزیتی هست که ما می توانیم یاد بگیریم، استفاده کنیم، باید [استفاده] بکنیم؛ در این تردیدی نیست، اما بر مبانی آن تمدن نمی توانیم تکیه کنیم.» (خامنه ای (آیت الله)، ۱۴۰۳: بیانات).

نظر به اینکه سیاست ها و عملکرد حوزه حکمرانی علم و فناوری تاحدزیادی در مسیر ارتقاء و پیشرفت است و مورداهتمام نهادهای سیاستگذار و اجرایی است، تمرکز این مقاله بر تجارب بشری است. از این رو به مبانی استفاده از تجارب بشری در دیدگاه اسلامی و قانون اساسی و نیز موضوع شناسی قلمرو کاربرد تجارب بشری پرداخته می شود.

۴- سیره عقلا مبانی اعتبار تجارب بشری

ساختار قانون اساسی و نظام مبتنی بر آن بر دو بعد محتوا و شکل استوار است؛ از حیث محتوا نظامی است معتقد به مبانی و احکام اسلامی که کلیه قوانین مدنی، جزائی، اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره باید با رعایت موازین اسلامی باشد و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است (اصل چهارم قانون اساسی). همچنین در رأس نظام، مقام رهبری با ویژگی‌های موردنظر فقه اسلامی قرار دارد که شرایط احراز و استمرار این سمت برگرفته از فقه شیعی است (اصل یکصد و نهم قانون اساسی). این محتوا در قالب ساختاری متشکل از قوای سه‌گانه تقنینی، قضائی و اجرائی شکل گرفته است که اغلب مقامات و نهادهای آن برپایه مشارکت و آراء عمومی سامان می‌گیرند. مسئله تحقیق، در مرحله اول مبانی اعتبار و ارزش اسلامی تجارب بشری در امر حکمرانی است. در مرحله دوم نیز از حیث موضوع‌شناسی، چه مسائل و عناوینی قابل مطالعه و تدقیق از سوی نخبگان، حقوق دانان، فقها و نهادهای رسمی نظام در قلمرو تجارب بشری است؟

مسئله تجارب بشری و لزوم استفاده از آن در جمهوری اسلامی مورد تأکید اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ قرار می‌گیرد. آیت‌الله ربانی شیرازی به هنگام بررسی اصل دوم اظهار می‌دارد «وقتی ما می‌گوییم مکتب برتری داریم معنایش این نیست که در اجرای امور، دیگر علوم بشری را نادیده می‌گیریم، اسلام به ما دستور داده است برای تکامل جامعه‌تان و پیشرفت امور جامعه‌تان از علوم ولو اینکه در جاهای دیگر باشد و به دست دیگران باشد استفاده کنید. پس ما در راه جمهوری‌مان از علوم بشری و تجارب سایر امم هم استفاده می‌کنیم (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: جلسه نهم). وضعیت علوم و فنون و جایگاه آنها در پیشرفت جامعه و تحقق اهداف مندرج در قانون اساسی تا حدودی روشن است؛ چه اینکه علوم در دسته‌بندی‌های مشخص خود ضمن مراکز علمی و دانشگاهی مسیر توسعه و کاربرد خود را طی می‌کند. توجه ویژه منابع فقه اسلامی یعنی قرآن و سنت به علم‌ودانش جایی برای تردید در خصوص جایگاه برجسته علوم و فنون ناشی از آن نمی‌گذارد. همان‌طور که منظور از عقل در اسناد بالادستی و نقش آن در پیشرفت علمی فرهنگی اقتصادی و اجتماعی عقلی است که در پرتو وحی شکوفا می‌شود و به هیچ‌وجه به این معنا نیست که عقل استقرایی جایگزین وحی گردیده و هدایت را به عهده گرفته است (یزدی، ۱۴۰۲: ۱۲)، لکن موضوع تجارب بشری جای تأمل و اندیشه‌ورزی بیشتری دارد؛ زیرا مسئله تجارب بشری کمتر شناخته شده است و در محافل علمی و پژوهشی چندان مذاقه و مباحثات علمی قرار نگرفته است. علاوه بر این، ارزش و

اعتبار تجارب بشری در حوزه‌های علوم فنی مهندسی و پایه که برای جامعه و سیاست‌گذاران کشور تاحدزیادی محسوس است، ولی در حوزه‌های مدیریت، سیاست، حقوق، رسانه‌و هنر، اقتصاد، علوم اجتماعی و به‌ویژه در شیوه‌های حکمرانی در این قلمروها، کاستی‌ها و چالش‌هایی وجود دارد. برای نمونه ممکن است برخی کنشگران حوزه علم، رسانه و مدیریت، باتوجه‌به اینکه بسیاری از مراکز پیشرفته علمی و فناوری وابسته به جهان غرب است، در اعتنا و بهره‌برداری از تجارب آنان تردید و دیدگاه‌های مخالفی را طرح نمایند. از این‌رو بحث را با تأمل در مبانی اسلامی تجارب بشری و ارتباط آن با دلیل عقل و سیره عقلایی می‌گیریم که در واقع نوعی بازخوانی و تبیین اظهارات و مواضع فقهای بزرگ در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ است که در توجیه و تشریح اعتبار تجارب بشری به سیره عقلا اشاره کرده‌اند.

«از دو قرن گذشته مصطلح سیره و بنای عقلا در ادبیات فقهی و اصولی امامیه وارد شده و جایگاه مهمی یافته‌است. کاربردهای وسیع آن در استدلال بر مسائل گوناگون اصولی فقهی به‌ویژه نقش قاعده‌ساز آن در فقه به‌گونه‌ای است که شاید بتوان از آن به‌عنوان یک نظریه تحول‌آفرین در اصول فقه دوران متأخر امامیه یاد کرد» (فخلعی، ۱۳۸۹: ۹۸). برای سیره عقلا تعاریف متعددی از سوی محققان علم اصول بیان شده‌است که به برخی از آن اشاره می‌شود: سیره عقلا عبارت از گرایش عمومی عقلا به رفتاری خاص بدون اینکه شرع نقش ایجابی در شکل‌گیری آن رفتار داشته باشد؛ مانند ترتیب اثر دادن و عمل به ظاهر سخن دیگران یا خبری که فرد مورداطمینان می‌دهد (صدر، ۱۴۰۶: ج ۱، ۹۷). در تعریف دیگر، سیره عقلا حکایت از یک رفتار خاص بدون تأمل قبلی در قبال یک اتفاق است به‌گونه‌ای که نوع مردم علی‌رغم تفاوت در زمان و مکان، مذهب و ادیان در این نوع رفتار یکسان عمل نمایند؛ مانند عمل عموم عقلا به ظواهر کلام اشخاص به‌طوری که به‌راحتی دیگران را به‌خاطر ظاهر همین کلام موردخطاب قرار داده و براساس آن احتجاج می‌نمایند (حکیم، ۱۴۳۱: ۱۹۳). امام خمینی نیز سیره عقلا که مختص گروهی خاص مانند مسلمانان نیست را دلیل بر جاری کردن اصالت صحت بر کلام و رفتار مردم دانسته‌است (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۳۲۰). مرحوم مظفر ضمن تبیین دلیل حجیت خبر واحد براساس سیره عقلا، منشأ اعتبار و اعتنای مردم به آن را ضرورت انتظام حیات بشر و گذران زندگی آنان دانسته و بیان می‌دارد اگر این سیره عملی مبنی بر اعتماد به ظواهر کلام و افعال یکدیگر نباشد، نظام اجتماعی دچار اختلال می‌شود (مظفر، ۱۳۷۰: ج ۲، ۸۱). البته به

نظر مشهور اصولیان امضا یا عدم منع و ردع شارع از یک سیره عقلایی برای اعتبار آن ضروری است، با این حال برخی محققان عدم نیاز به امضای شارع را در فرضی می‌دانند که منشأ سیره، عقیده فطری و عقلی باشد (علیدوست، ۱۳۸۱: ۲۲۱). به هر حال، اصولیان بین سیره عقلا و حکم عقل تفاوت قائل هستند. به نظر ایشان، حکم عقل در جایی که صلاحیت صدور حکم دارد نتیجه آگاهی بر مصالح و مفاسد واقعی است، در حالی که در تحقق سیره عقلا چنین شرطی وجود ندارد؛ زیرا سیره عقلا بدون تأمل قبلی و به صورت طبیعی شکل می‌گیرد و غیروابسته به استدلال مشابه دلیل عقلی است (حکیم، ۱۴۳۱: ۹۲). در موضوع این مقاله یعنی اعتبار تجارب بشری در قانون اساسی و نقش آن در تحقق اهداف و اصول مندرج در اصل دوم این قانون، تبیین تجربه بشری و سیره عقلا ضرورت دارد.

امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: حفظ تجربه‌ها بخشی از موفقیت است.^۳ منظور از تجربه در اینجا مفهوم عام آن است و تجربه‌های شخصی و دیگران را شامل می‌شود و تعبیر «من التوفیق» اشاره به این است که انسان قسمت مهمی از موفقیت خود را در کارها از تجربه‌های پیشین خود و دیگران استفاده می‌کند و در واقع انباشته شدن تجربه‌ها بر یکدیگر سبب موفقیت در تمام زمینه‌های علمی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی است و آن کس که خود را از تجربه‌های دیگران بی‌نیاز بداند و به تجربه‌های پیشین اعتنا نکند به یقین گرفتار شکست‌های پی‌درپی خواهد بود (مکارم شیرازی، سایت جامع نهج البلاغه و تفسیر، حکمت ۲۱۱).

در روایات اسلامی به‌ویژه سخنان امام علی علیه السلام ارتباط و پیوندی بین عقل و تجربه دیده می‌شود تا جایی که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «عقل همان حفظ تجارب است»^۴ و در جایی دیگر می‌فرماید: «عقل غریزه‌ای است که با دانش و تجربه اضافه می‌شود.»^۵ (آمدی، ۱۴۱۰: ۹۱)؛ در واقع استفاده کردن از تجارب پیشینیان مخصوصاً برای زمامداران و سیاستمداران از اهم امور است (مکارم شیرازی، همان).

توجه به تجارب در امر حکمرانی، مهم‌تر و مورد تأکید است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا تجربه نوعی دلیل عقلی است؟ آنچه مسلم است تجربه به‌عنوان دلیل عقل و روشی انحصاری برای دستیابی به علوم نیست و اعتبار عقل مسئله‌ای فراتر از تجربه است. وقتی حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: العقل حفظ التجارب، منظور انحصار علوم در این نوع علم و این گونه

مفاهیم نیست، بلکه منظور این است که مقتضای عاقل بودن چنین است. آن حضرت هرگز نفرموده‌اند که سرچشمه معقولات و معلومات بشر تجربه است، بلکه می‌فرماید: عقل این است که انسان تجارب خود را حفظ کند و از آنها در مسیر زندگی بهره بگیرد؛ یعنی مقتضای عقل یا نشانه عاقل بودن این است که انسان تجربه‌های خود و دیگران را حفظ کند، به خاطر بسپارد و در موقعیت‌های مناسب زندگی از آنها استفاده کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۱۱۸). بیان روشن علامه مصباح یزدی در اینکه اعتنا و بهره‌گیری از تجارب مقتضای عقل نوع بشر است می‌تواند مبنا و نقطه عزیمتی باشد برای اینکه عمل به تجربه را مستند به دلیل عقل بنمائیم، اما فعلاً در مقام این ادعا نیستیم و به قدر متیقن یعنی سیره عقلا اکتفا می‌کنیم و برای تقویت این نظر سخنان آیت‌الله مکارم شیرازی را نقل می‌نماییم که ضمن تبیین اتکال عمل به تجارب به سیره عقلا در اعتبار و ارزش سیره عقلا نیز نکاتی بیان نموده‌اند. «اسلام بسیاری از قوانین اجتماعی را به رسمیت شناخته‌است و جز در مواردی که مخالف اصول اخلاقی و عدالت اجتماعی بوده آنها را پذیرفته‌است. در این زمینه می‌توان از قوانین مربوط به معاملات، دادوستدها، اجاره، مضاربه، مزارعه، هبه، وصیت، وقف و امثال آن نام برد که اصل کلی پای‌بندی به تعهدات و قراردادهای از آیه شریفه «أوفوا بالعقود» (مائده / ۱): به پیمان‌ها و قراردادهای وفا کنید و حدیث نبوی «المؤمنون عند شروطهم»: مؤمنان پای شرایط خود ایستاده‌اند، در همین سیاق استفاده می‌شود و از آن فراتر دلیلی به نام «سیره عقلا» است که با عدم ردع و نهی، بر آن صحنه گذاشته‌است. به این ترتیب تمام قوانین عرفی و عقلایی با اصلاحاتی در گستره فقه اسلامی قرار می‌گیرد که دلیل عمده آنها سیره عقلا است که اسلام با سکوت و عدم ردع، آن را امضا نموده‌است و این امر بحوث مختلفی از فقه را شامل می‌شود. همچنین نهادهای مهمی مانند نهاد خانواده، انواع شرکت‌ها، و مهم‌تر از همه، نهاد حکومت و دستگاه قضایی که در عرف عقلا از قدیم الایام بوده نیز با اصلاحاتی از سوی اسلام پذیرفته شده و بخش سیاست را در فقه اسلامی تشکیل داده‌است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۱۱۸). با این اوصاف می‌توان گفت ارزش و اعتباربخشی به «علوم و فنون و تجارب بشری» در اصل دوم قانون اساسی به‌مثابه یک روش برای رسیدن به اهداف جمهوری اسلامی ایران از جنس سیره عقلاست؛ یعنی عقلا به‌طور معمول به تجارب و اندوخته‌های اجتماعی و مرتبط با امر حکمرانی و اداره امور جامعه اعتنا می‌کنند و چنانچه این تجارب با احکام قطعی شرع مقدس تعارض نداشته باشد ارزش قانونی پیدا کرده و مبنای عمل خواهد بود. مرجع تشخیص عدم

تعارض با احکام اسلامی هم مانند سایر قوانین، فقهای شورای نگهبان هستند. البته چنانچه رویه رفتاری منجر به استنتاج یک حکم کلی در قالب یک تجربه اجتماعی بشود و اعتبار و ارزش این حکم کلی از ناحیه عقل صادر گردد، عنوان مستقلات عقلی پیدا کرده و ارزشی بالاتر از سیره عقلا خواهد داشت. برخی اصول کلی مندرج در قانون اساسی یا سایر قوانین از این دست است؛ مانند اصل وفای به عهد و پیمان در روابط اشخاص یا دولت‌ها، اصل منع ظلم و تعدی یا سلطه و ستم‌پذیری در روابط بین دولت‌ها مندرج در همین اصل دوم قانون اساسی، می‌تواند از مستقلات عقلی باشند. به هر حال سازوکار و شیوه استفاده از تجارب بشری راهی مورد تأیید شارع است که از دل فقه اسلامی بیرون آمده است و می‌تواند به تحقق اهداف نظام اسلامی کمک نماید، مشروط بر اینکه تعارض با احکام مسلم ناشی از قرآن و سنت نداشته باشد. با توجه به این معیار استفاده از تجارب بشری اغلب ناظر به امور شکلی و شیوه‌های تدبیر و اجرا در امر حکمرانی است و نقشی در صدور احکام محتوایی ندارد. این خصوصیت را در ابواب مختلف قانون اساسی هم می‌توان مشاهده کرد که سازوکارهای جدید حکمرانی از قبیل امر انتخابات و مشارکت عمومی مردم در امور حکومت، وجود مجلس قانون‌گذاری، هیئت دولت، و زیرمجموعه‌های آن، سیستم دادگستری نوین و ده‌ها سازوکار دیگر هم پذیرفته شده است و به تأیید فقهای عظام رسیده است.

۵- موضوع‌شناسی تجارب بشری و چالش‌های پیش‌رو

حقیقت این است که با پیروزی انقلاب اسلامی، فقهای عظام با زعامت بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی برای ایجاد یک نظام اسلامی و ساختار آن در کنار توجه و تأکید بر اصول و مبانی اسلامی راه را برای بهره‌گیری از تجارب بشری در امر حکمرانی بازگذاشتند و همانگونه که در این نوشتار اشاره شد، در مجلس بررسی قانون اساسی مبنای اعتنا و استفاده از این تجارب را سیره عقلا ذکر کردند. از آثار این رویکرد ایجاد تأسیسات حقوقی نوپدید در قانون اساسی و ساختار نظام بود که چند مصداق آن بدین شرح است: نظام جمهوری به‌عنوان شکل حکومت اسلامی، تنظیم و تصویب قانون اساسی به‌مثابه میثاق ملی، پیش‌بینی اداره امور کشور از طریق مشارکت عمومی و انتخابات، تفکیک قوای سه‌گانه با شرح وظایف خاص، پذیرش اصول اساسی راجع به حقوق ملت و درج در فصل سوم قانون اساسی و ده‌ها تأسیس و سازوکار دیگر که همگی از تجارب جدید بشری در حکمرانی بود. با وجود این رویکرد مترقی ناشی از هوشمندی، عقلانیت و استفاده

از تجارب بشری از سوی رهبران انقلاب به‌ویژه بنیانگذار جمهوری اسلامی، یکی از چالش‌های پیش روی نظام حکمرانی در کشور، نادیده گرفتن این رویکرد در برخی سیاست‌ها و اقدامات قوای سه‌گانه، فعالان حوزه‌های امور عمومی و دینی است. از این‌رو، برخی مسائل و اموری که در زمینه حکمرانی و نظامات مربوط به اداره امور عمومی جامعه مطرح و از جنس تجربه بشری است و حاصل مطالعات و تجارب کاری نویسنده است برای تأمل و مطالعه اندیشمندان و نخبگان، نهادهای سیاستگذار ملی، اهل فن و ذینفعان به شرح زیر احصا و معرفی می‌شود.

۶- چالش‌های حوزه قضا و دادگستری

۶-۱- لزوم ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول

ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول یک تجربه بشری شناخته شده در جهان است که فوایدی مثل ثبات در معاملات و حفظ حریم مالکیت دارد. در ایران نیز با تشکیل سازمان ثبت اسناد و املاک، ثبت معاملات تا سال‌ها رویه جاری در کشور بود. پس از انقلاب، شورای نگهبان اعتبار انتقال عادی املاک را با تنظیم قولنامه به رسمیت شناخت. بسیاری از حقوق دانان و صاحب‌نظران این حوزه نسبت به تبعات این کار هشدار دادند تا اینکه مسئولان قضایی متوجه این امر شدند. بنابر اظهارات مقامات قضایی به نقل از خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضائیه بین ۴۰ تا ۶۰ درصد ورودی پرونده‌های قضایی دعاوی اموال غیرمنقول ناشی از انتقال عادی و قولنامه‌ای است. (Mizanonline.ir/fa/news/4748878)

مهم‌ترین نتیجه این تصمیم و بی‌اعتنایی به یک تجربه معتبر در این زمینه تحمیل هزینه‌های سنگین مادی و معنوی به دستگاه قضایی و مردم است. طرح الزام به تنظیم سند رسمی در معاملات اموال غیرمنقول از سال ۱۳۹۵ در مجلس شورای اسلامی تصویب و به‌دلیل ایرادات شورای نگهبان در سال ۱۴۰۲ بعد از هفت سال در مجمع تشخیص مصلحت نظام تأیید شد. تأیید و تأکید بر اجرای این مصوبه هم‌علی‌الظاهر بعد از تذکرات صریح مقام معظم رهبری صورت گرفته است.

۶-۲- کارایی و ضرورت وجود دادستان در نظام قضایی

حذف دادستان به‌موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی انقلاب در سال ۱۳۷۳ و حذف تخصصی بودن دادگاه‌ها به‌گونه‌ای که شعب دادگاه‌های عمومی به کلیه امور مدنی، جزایی و امور

حسبیه رسیدگی نمایند انجام شد. علی‌رغم مخالفت کارشناسی اساتید دانشکده‌های حقوق، حذف دادستان با بی‌توجهی به تجربه بشری جدایی مقام تحقیق (دادستان) از دادرسی قضایی و مقام صدور رأی (قاضی نشسته) انجام شد که تبعات منفی آن بر سیستم قضایی آشکار و ضعف این طرح پس از تحمیل هزینه‌های مادی و اجتماعی برای دستگاه قضا آشکار و اجرای آن با شروع کار رئیس قوه قضائیه بعدی متوقف شد.

۶-۳- الزام اخذ اجازه دولت در ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه و ثبت رسمی ازدواج

بهموجب ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است. این اجازه‌نامه به‌منظور حمایت از زنان ایرانی هنگام ازدواج با اتباع بیگانه وضع شده و شرایط و تشریفات صدور آن در آئین‌نامه ازدواج بانوان ایرانی مصوب ۱۳۴۵ بیان شده است. با ورود آوارگان از کشورهای همسایه و با ترویج نگاه شرعی راجع به صحت ازدواج عادی و بدون ثبت (که در جای خود به‌لحاظ فقهی امر صحیحی است) بدون توجه به فوائد و ضرورت اجازه دولت و ثبت این ازدواج‌ها، ده‌ها هزار ازدواج عادی و بدون ثبت بین زنان ایرانی و اتباع خارجی واقع شد و در نتیجه به‌دلیل عدم تشریفات قانونی، فرزندان این افراد از دریافت تابعیت و شناسنامه ایرانی محروم شدند. با توجه به تبعات و گرفتاری این خانواده‌ها، قانونگذار ناچار شد با تصویب ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در سال ۱۳۸۵ و اصلاحات بعدی آن، مشکلات این افراد را کاهش دهد.

۶-۴- رعایت اصول و رویه‌های ناظر به دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه یک مفهوم نوین در نظام دادرسی به‌ویژه در امور کیفری است و شامل عناصری چون اصل بی‌طرفی قاضی و محکمه، اصل استقلال قاضی، اصل برابری سلاح‌ها بین متهم و دادستان است. دادرسی عادلانه و عناصر آن از جنس تجارب بشری و حاصل رویه نظام‌های حقوقی مختلف جهان مبتنی بر عدالت و کشف حقیقت است که نه تنها تعارضی با مبانی اسلامی ندارد، بلکه اغلب با اصول دادرسی اسلامی نیز سازگار است. با این حال قانونگذار ایرانی هر چند وقت یکبار بدون لحاظ این تجارب دست به تغییر مقررات زده و تبعات آن برای دستگاه قضایی و مردم باقی می‌ماند. برای نمونه به‌موجب «طرح تسهیل صدور مجوزهای

کسب و کار» مصوب در مجلس، ملاحظات کارشناسی راجع به ظرفیت پذیرش وکلای دادگستری را نادیده گرفته و بررسی آن در کمیسیون اقتصادی مجلس تحت عنوان مسئله‌ای ناظر به اشتغال صورت گرفته است. عدم دخالت کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه و عدم ارائه آمار صحیح و فقدان مطالعه تطبیقی با کشورهای دیگر از نشانه‌های بی‌توجهی به تجارب بشری و آبخشور تأثیرات سوء بر جریان صحیح دادرسی محاکم است که آثار آن بعدها مشخص می‌شود (کوشا، ۱۴۰۰).

۷- چالش‌های حوزه قوه مقننه

۷-۱- حفظ مرجعیت قوه مقننه در قانون‌گذاری و نیز گسترش صلاحیت قانونگذاری

مجمع تشخیص مصلحت یا نهادهای موقت دیگر محل تأمل است و جا دارد در مقایسه تجارب دیگر کشورها ارزیابی شود.

۷-۲- اصل تفکیک قوا

رعایت اصول علمی و تجارب ناظر به اصل تفکیک قوا در زمینه دخالت نمایندگان مجلس در امور اجرایی و عزل و نصب مدیران میانی قوه مجریه نیاز به توجه دارد. بنابر گزارش‌ها و اظهارات مقامات عالی کشور و نهادهای مدنی، حجم زیاد ورود نمایندگان مجلس در امور اجرایی نیاز به مطالعه و ارزیابی در مقایسه با مجالس مقننه و تجارب کشورها دارد.

۷-۳- جایگاه شورای نگهبان در نظارت بر قوانین و انتخابات

جایگاه این شورا و اختیارات آن در قانون اساسی برگرفته از تجربه برخی کشورها است. رویه نظارت این شورا بر قوانین و انواع انتخابات در کشور در مقایسه با تجارب بشری برای اعتبار امر انتخابات و برای حفظ اعتماد عمومی به این شورا نیاز به مطالعه و بازخوانی دارد.

۸- چالش‌های حوزه قوه مجریه و امور عمومی جامعه

۸-۱- بهداشت، درمان و آموزش علوم پزشکی

جمهوری اسلامی بالاترین نرخ موفقیت‌ها را در عرصه بهداشت و درمان داشته است و تخصص جامعه پزشکی ایران و تجهیزات و ظرفیت‌های آن در میان کشورهای منطقه ممتاز است. این امر از دستاوردها و تجارب موفق پس از انقلاب اسلامی در ۴۵ سال اخیر است به گونه‌ای که

نه تنها کشور از ورود پزشک خارجی بی‌نیاز شد، بلکه ایران را مرکز توریسم سلامت و ورود بیماران از کشورهای همسایه برای درمان گردانید. بنابر اظهارات معاون بهداشت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، امروزه جمهوری اسلامی ایران برای بهداشت منطقه یک کشور مرجع است و سازمان بهداشت جهانی از ایران توقع دارد برای انتقال بیشتر تجارب و تکنولوژی خود به کشورهای منطقه برنامه داشته باشد و این مطلب در بازدید رئیس منطقه‌ای سازمان بهداشت جهانی از مراکز تحقیقاتی و حوزه بهداشت در سال جاری مطرح شد (فرشیدی، ۱۴۰۳). بنابر اظهارات مراجع معتبر پزشکی کشور «مداخلات غیرقانونی در مورد پزشکی و مداخلات افراد غیرمجاز، پرداختن غیرحرفه‌ای و غیرتخصصی به وضعیت جامعه پزشکی در رسانه‌ها موجب هجمه قرار گرفتن شأن جامعه پزشکی و خدشه‌دار کردن اعتماد مردم به جامعه پزشکی است» (رئیس‌زاده، ۱۴۰۳). در این چارچوب، بیم آن می‌رود که تجربه موفق حوزه پزشکی در عصر جمهوری اسلامی نیز آسیب ببیند.

۸-۲- ارزش پول ملی، تورم و سیاست‌های اقتصادی و پولی در آئینه تجارب بشری

علاوه بر کشورهای پیشرفته صنعتی و اقتصادی، برخی کشورهای منطقه نیز در قالب تدابیر و سیاستگذاری دارای کمترین تورم و کمترین درصد نرخ بهره تسهیلات بانکی هستند به گونه‌ای که می‌توان گفت ربا را در نظام بانکی از بین برده‌اند. برای اصلاح وضعیت پول ملی و نرخ تورم و دیگر شاخصه‌های اقتصادی، شایسته است مطالعات علمی و کارشناسی با نگاه به تجارب این نوع کشورها انجام شود.

۸-۳- نقش رسانه اعم از صداوسیما و سایر ابزارها در تقویت یا تضعیف جایگاه دین و نظام

سیاسی کشور

انبوه از تجارب رسانه‌ای اعم از شبکه‌های ماهواره‌ای و خبری، روزنامه‌های تأثیرگذار در سطوح ملی و بین‌المللی، میزان کارایی و جذب مخاطب، داشتن مرجعیت رسانه‌ای در مقابل رسانه‌های دشمن و رقیب و به‌ویژه اثرگذاری در تربیت و سازندگی اخلاقی جامعه، محورهایی هستند که جای تأمل، مطالعه و مقایسه دارد.

۸-۴- تجربه‌های بشری در امر آموزش و تعلیم و تربیت به‌ویژه دوره ابتدایی تا متوسطه نظر به وجود گزارش نهادهای رسمی، نخبگان و متخصصان حوزه تعلیم و تربیت مبنی بر ناهنجاری‌های زیاد رفتاری، اعتقادی در میان جوانان، شایسته است که مطالعات راجع به تجارب موفق بشری در این حوزه انجام شود و نتایج آن پس از ملاحظه دستگاه‌های سیاستگذاری، مورد استفاده قرار گیرد.

۸-۵- علوم فنی مهندسی

تجربه پیشرفت این حوزه در ساخت پروژه‌های بزرگ و ارائه خدمات فنی می‌تواند در حوزه‌هایی که عقب‌ماندگی وجود دارد مورد توجه قرار گیرد.

۸-۶- علوم پایه

کاهش استقبال دانشجویان به دلایل اقتصادی و شغلی، ضرورت برنامه‌ریزی در پرتو تجارب داخلی و جهانی در این خصوص را ضروری می‌کند.

۷-۸- بازخوانی تجربه موفق در فناوری صنایع هسته‌ای و نظامی و امکان‌سنجی تعمیم آن به سایر صنایع راهبردی مانند خودروسازی، حمل و نقل و ناوگان هوایی و ریلی
۸-۸- علوم انسانی و ضرورت تدوین شیوه‌های حکمرانی در حوزه اقتصاد، مدیریت، حقوق و علوم تربیتی در پرتو تجارب بشری و معارف اسلامی

۹- نتیجه‌گیری

اصل دوم قانون اساسی همانند برخی قوانین اساسی دنیا، پایه‌های اعتقادی و ایمانی جمهوری اسلامی را متناسب با وضعیت جامعه ایران بیان نموده است. درج عبارت "کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا" در بند ۶ این اصل پس از ذکر اصول اعتقادی، بیان یک مفهوم متعالی است که خود ناشی از توجه و اعتنای نویسندگان قانون اساسی به تجارب گذشته با عنوان دین است؛ بدین ترتیب تفاوت این نظام را با حکومت‌های دینی در قرون وسطی در اروپا و حکومت‌های سرزمین‌های اسلامی تبیین نموده است، به گونه‌ای که ارزش و کرامت انسان همپای اصول اعتقادی و ایمانی در جمهوری اسلامی ایران ارزش و اعتبار دارد. این اصل با نگاه به پایه‌های ایمانی، ابزار و سازوکارهایی را برای رسیدن به اهداف شامل تحقق

"قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی" برشمرده است. این اهداف در رده اهداف میانی نظام اسلامی است که مقدمه‌ای برای هدف نهایی یعنی تربیت انسان‌های مؤمن به توحید و عبودیت خداوند، رسیدن به قرب الهی و سعادت ابدی باشد. در موضوع این تحقیق، بر سازوکار و شیوه استفاده از "علوم، فنون و تجارب بشری" تمرکز شد، زیرا علی‌رغم اهمیت آن، کمترین توجه به عامل مهم تجارب بشری در امر حکمرانی در آثار پژوهشی و نشست‌های علمی شده است. درج این فراز و سخن از طریقت و جایگاه علوم، فنون و تجارب بشری در ماه‌های اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه عطف و رویکردی مترقی در امر حکمرانی است. خوشبختانه در اسناد بالادستی سال‌های اخیر مانند سند الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت و نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی علم و فناوری نیز این عبارت تکرار شده است؛ امری که دلالت بر استمرار محوریت علم و تجارب بشری در نظام فکری و برنامه‌ریزی کشور دارد. در این مقاله، ضمن بیان ارتباط تجارب بشری با "دلیل عقل" به سیره عقلا رسیدیم؛ بدین ترتیب که مبنای مراجعه و اعتماد به تجارب بشری در امور شخصی و حکمرانی، سیره رفتار طبیعی عقلا است. سیره و بنای عقلا، رفتاری از عقلا بدون لحاظ دین، مذهب، مکان و زمان در امور است که به حیات اجتماعی و نظامات آن مربوط است، به گونه‌ای که عدم اعتنا به این سیره موجب اختلال در نظام و حیات اجتماعی می‌گردد. کارکرد تجربه بشری به‌عنوان سیره عقلا در امور شکلی و شیوه‌های حیات اجتماعی و حکمرانی جاری است و در باب شناخت علم نیز طریق انحصاری نیست و در برخی علوم مانند علوم تجربی به کار می‌رود. موضوع‌شناسی که در این خصوص انجام شد، توجه و بازخوانی تجارب بشری اعم از داخلی و خارجی در امور حکمرانی در حوزه قضایی، اجرای و تقنینی را نه تنها مفید، بلکه ضروری می‌نماید. در این راستا به آثار زبان‌بار بی‌اعتنایی به برخی تجارب در قسمت موضوع‌شناسی و چالش‌ها اشاره شده است و افراد و نهادهای علمی، سازمان‌های سیاستگذار و اجرایی کشور و نیز قوه مقننه و قضائیه را به اهتمام جدی در این سازوکار مهم اصل دوم قانون اساسی دعوت می‌نماید؛ امری که هم مبنای عقلی و تجربی دارد و هم با مبانی دینی و اسلامی تعارضی ندارد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- به نظر می‌رسد علوم به معنای جمع دانش‌های بشری مانند علوم پایه، علوم فنی و مهندسی و علوم انسانی، معادل "sciences" و به معنای دانستن دقیق و آگاهی که ممکن است نتیجه مطالعه و شاخه‌های علوم رایج یا حتی تجربه باشد، معادل "knowledge" است. Technique نیز معادل فن، به معنای شیوه و روش و نیز به معنای مهارت و فناوری است. در فارسی کلمه "تکنیک" نیز در این معنا رایج است.
2- dictionary.cambridge.org/dictionary/English/experience.
- ۳- «من التوفیق حفظ التجارب»، نهج البلاغه حکمت ۲۱۱
- ۴- «العقل حفظ التجارب»، نهج البلاغه نامه ۳۱
- ۵- العقل غریزة تزيد بالعلم و التجارب»

منابع

نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۲. برخواه، انسیه، "تجربه"، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ج ۶، قابل دسترسی: <https://rch.ac.ir>
۳. حکیم، محمدتقی، (۱۴۳۱)، *الأصول العامة للفقہ المقارن*، طهران، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیة.
۴. حکیم پور، علی، (۱۴۰۱)، *بررسی اصولی از قانون اساسی اندونزی*، پایگاه تخصصی تحلیلی جامعه و فرهنگ ملل، قابل دسترسی: Farhangemelal.icro.ir/news/13780.
۵. خامنه‌ای، (آیت‌الله) سید علی، (۱۴۰۳)، *بیانات*، دیدار با مسئولان نظام، قابل دسترسی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=59631>
۶. دولت پاکستان، (۱۹۷۳)، *قانون اساسی پاکستان*، ترجمه: محسن پورقاسمی، اصل دوم، قطعنامه اهداف، قابل دسترسی: ixport.ir/Pakistan-constitution.
۷. دهخدا (مؤسسه لغت‌نامه دهخدا)، (۱۳۹۹)، *نسخه برخط لغت‌نامه*، قابل دسترسی: <https://dekhoda.ut.ac.ir/fa/dictionary/>
۸. ربیع‌زاده راوندی، حسین؛ نوروزی، رضا؛ کریمی والا، محمدرضا، (۱۴۰۲)، *دوفصلنامه عقل و دین*، سال ۱۵، شماره ۲۸.
۹. رئیس‌زاده، محمد، (۱۴۰۳)، "چالش‌های جامعه پزشکی در حوزه سلامت کشور"، خبرگزاری مهر: mehrnews.com/news/5922704
۱۰. *سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، (۱۳۹۷)، قابل دسترسی: Farsi.khamenei.ir/news-content?Id=40693
۱۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۹۸)، *نقشه جامع علمی کشور*، قابل دسترسی: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=17517046340393698074>
۱۲. صدر، سیدمحمدباقر، (۱۴۰۶ق)، *دروس فی علم الأصول*، ج ۱، بیروت، لبنان، دارالکتاب اللبناي.
۱۳. علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۸۱)، *فقه و عقل*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۱۴. فخلعی، محمدتقی، (۱۳۸۹)، "پژوهشی در چیستی سیره عقلا و نسبت آن با حکم عقل"، *فصلنامه مطالعات اسلامی فقه و اصول*، دوره ۴۲، شماره ۸۴.
۱۵. فرشیدی، حسین، (۱۴۰۳)، قابل دسترسی: <https://www.isna.ir/news/1403012815790>
۱۶. کوشا، جعفر، (۱۴۰۰)، عضو هیئت علمی دانشگاه و رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران، قابل دسترسی: scoda.org.
۱۷. مجلس، (۱۳۶۴)، *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی*، تهران، ج ۱، اداره کل روابط عمومی و فرهنگی مجلس شورای اسلامی.
۱۸. مجلس، بررسی نهایی قانون اساسی، (۱۳۵۸)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۵)، "جایگاه تجربه در زندگی انسان"، درس بیست و نهم، *شرح نامه ۳۱ نهج البلاغه*، قابل دسترسی: mesbahyazdi.ir/node/38791.
۲۰. مظفر، محمدرضا، (۱۳۷۰)، *اصول الفقه*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷)، *دائرة المعارف فقه مقارن*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قابل دسترسی: lib.eshia.ir/27583/1/69.
۲۲. _____، *شرح حکمت ۲۱۱ نهج البلاغه*، سایت جامع نهج البلاغه و تفسیر، قابل دسترسی: nahj.makarem.ir/wisdom/1176.
۲۳. موسوی خمینی (امام)، سید روح الله (۱۴۱۵ق)، *الرسائل*، ج ۱، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۲۴. یزدی، حسین، (۱۴۰۲)، "حاکمیت عقل متخصص در عصر پایان نزول ادیان؛ آری، خیر"، *دوفصلنامه عقل و دین*، سال ۱۵، شماره ۲۸.

25. dictionary.cambridge.org/dictionary/English/experience